

تجزیه و تحلیل روابط روسیه و ترکیه بر اساس تئوری لیبرالیسم (۲۰۱۴-۲۰۰۲)

نوذر شفیعی^۱ محبوبه روحی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۶

چکیده

روابط روسیه و ترکیه از آغاز قرن ۲۱ و به‌ویژه پس از به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه از سال ۲۰۰۲، با رشد فزاینده‌ای روبه‌رو بوده است. با توجه به گسترش روابط این دو کشور، این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که آیا گسترش روابط اقتصادی میان روسیه و ترکیه در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ به توسعه مناسبات سیاسی دو کشور منجر شده است؟ طرح این سؤال از یک مبنای نظری برخوردار است؛ به این معنی که یکی از مفروض‌های اصلی نظریه لیبرالیسم آن است که وابستگی متقابل اقتصادی باعث همکاری سیاسی می‌گردد. پاسخ این مقاله به سؤال اصلی که در قالب فرضیه مطرح شده و به شیوه توصیفی - تحلیلی بررسی می‌شود، آن است که طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ روابط اقتصادی ترکیه و روسیه، رشد چشمگیری داشته و به موازات آن، همکاری سیاسی میان دو کشور نیز توسعه یافته است؛ اما همگرایی سیاسی ترکیه و روسیه، کمتر از همکاری اقتصادی آن‌ها تأثیر پذیرفته؛ بلکه بیشتر متأثر از متغیرهایی غیر از عامل اقتصاد و تجارت بوده است. بررسی این فرضیه ما را به این نتیجه می‌رساند که در تجزیه و تحلیل مناسبات کشورها نمی‌توان از یک رهیافت نظری بهره گرفت؛ بلکه بر اساس دیدگاه «اجماع پژوهش» باید از رهیافت‌های مختلفی در تحلیل روابط کشورها استفاده کرد.

واژگان کلیدی: ترکیه، روسیه، روابط خارجی، وابستگی متقابل، همکاری و نظریه لیبرالیسم

۱. استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان shafiee2@hotmail.com

۲. دانشجوی دکترا و مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله املی mroohi2002@gmail.com

مقدمه

روسیه هشتمین اقتصاد بزرگ دنیا، دارنده بیش‌ترین منابع انرژی خام جهان؛ از جمله گاز، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت غیراوپک و پهناورترین کشور جهان است که در طول تاریخ به عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان همواره در پی ایفای نقشی مؤثر در جهان و منطقه پیرامونش بوده است (برازش، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۱). ترکیه نیز به عنوان وارث امپراتوری عثمانی، تنها کشور مسلمان عضو ناتو، کشوری است که با قرارگرفتن در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان، دارای موقعیت جغرافیایی راهبردی خاص آسیایی - اروپایی بوده و با داشتن دو تنگه راهبردی بسفر و داردانل، از مهمترین گذرگاه‌های ترانزیت کالا و انرژی در جهان است (انصاری، ۱۳۷۳: ۳۲). این دو کشور در طول تاریخ روابط پرفراز و نشیبی داشتند؛ اما رابطه دو کشور پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و پیگیری سیاست خارجی نگاه به شرق این حزب، گسترش چشمگیری یافت؛ به طوری که در طول ۱۲ سال مقامات دو کشور بیش از ۳۵ بار با هم دیدار داشتند (Weitz, 2010: 64). با وجود این گسترش روابط، بررسی ساختار کلی روابط دو کشور ترکیه و روسیه در سال‌های اخیر انعکاس‌دهنده سیاست خارجی چندبعدی و پیچیده‌ای است که نمی‌توان آن را به راحتی در چارچوب یک تئوری سنتی مشخص روابط بین‌الملل مطرح کرد؛ به این شکل که این روابط همزمان بر مبنای همکاری و رقابت استوارند. در حقیقت، از آنجا که ترکیه، همزمان می‌کوشد روابط با شرق و غرب را توسعه دهد، برای این کشور مناسبات نزدیک با روسیه، آسیای مرکزی، قفقاز، دنیای اسلام، خاورمیانه و توامان روابط نزدیک با اتحادیه اروپا و آمریکا اهمیت بسیار دارد. حفظ و گسترش این روابط در چارچوب منافع ملی ترکیه، سیاست خارجی چندوجهی و پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد که درک آن نیازمند دقت بسیار است. از سوی دیگر، روسیه نیز می‌داند که قفقاز یکی از مراکز مهم نفت و گاز در جهان است و می‌تواند از طریق ترکیه وارد اقتصاد جهانی شود؛ اما همزمان می‌داند که

ترکیه یکی از دریاچه‌های ورود غرب به منطقه نیز هست. به این دلایل و برای حفظ منافع و کاهش آسیب‌پذیری باید از وابستگی بیش از حد و انحصاری به ترکیه برای ورود به بازار جهانی پرهیز کند (صولت، ۱۳۹۲). در این راستا، سطح استثنایی افزایش روابط تجاری و سیاسی ترکیه و روسیه در دوره زمانی پس از ۲۰۰۲ یک چالش را برای نظریه رئالیسم که اعتقاد به اصل خودیاری و پرهیز از وابستگی‌ها داشت، به وجود آورد و از سوی دیگر، این فرضیه دیدگاه لیبرالیسم را که افزایش وابستگی اقتصادی به بهبود همکاری‌های سیاسی می‌انجامد، با معمایی روبه‌رو کرده‌است. برای بررسی این مهم، ابتدا به طور مختصر تاریخچه روابط روسیه و ترکیه را بررسی می‌کنیم. سپس با بررسی شرایط جدید، آن را با نظریه لیبرالیسم در روابط بین‌الملل می‌سنجیم.

تاریخچه روابط ترکیه و روسیه

روسیه و ترکیه در طول تاریخ مجموعاً ۴۴ سال با یکدیگر درگیر جنگ بوده‌اند که در این مدت تجربه ۱۱ جنگ را پشت‌سر گذاشته‌اند. علت این جنگ‌ها در این جمله معروف نیکلای، تزار روس در اولین سال سلطنتش در سال ۱۸۲۵ نهفته است: «شان و حیثیت تزار روس در راه بیزانس قرار دارد» (واحد ناوان، ۱۳۸۳/۹/۲۱). سه سال بعد و در سال ۱۸۲۸ جنگ سختی میان روس‌ها و ترک‌ها آغاز شد که در پایان آن امپراتور تضعیف شده عثمانی برای جلوگیری از سقوط استامبول معاهده تحمیلی روس‌ها را پذیرفت و این البته آغازی بر فروپاشی امپراتوری بزرگ عثمانی بود. هر چند نزدیک به دو قرن از آن سال‌ها می‌گذرد و ترک‌ها و روس‌ها پس از پشت‌سر گذاشتن تاریخی پرفراز و نشیب قصد از سرگیری فصل تازه‌ای از مناسبات را دارند؛ اما حافظه تاریخی منفی در بین طرفین؛ بویژه در ترکیه نسبت به روسیه وجود دارد (کریمی، ۹۱/۹/۳۰). سرخط درشت روزنامه پرشماره و تاثیرگذار «آکشام» پس از سفر رئیس جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۲ به ترکیه با عنوان «دشمنان قدیمی، دوستان خوبی شده‌اند!» مؤید این نکته است که افکار عمومی ترک‌ها

هنوز تنفر عمیقی از سیاست‌های تجاوزکارانه تزارها در سده‌های گذشته دارند (کولایی، ۱۳۹۲/۸/۱۱). در دوران جنگ سرد با وجود این سابقه تاریخی و قرارگرفتن ترکیه در بلوک غرب، روابط سرد و بی‌روحو بین دو کشور حاکم بود؛ ولی پس از فروپاشی شوروی، از یک سو ترکیه جایگاه استراتژیک خود را به‌عنوان پایگاه غرب در مقابل کمونیست از دست می‌دهد و از سوی دیگر، کشورهای آسیای مرکزی موقعیت مناسبی برای ایفای نقش منطقه‌ای در اختیار ترکیه قرار داده و روسیه نیز برای ترانزیت انرژی به غرب و همزمان جلوگیری از نفوذ ناتو و غرب در منطقه بیش از قبل، به دنبال ارتباط با ترکیه برآمد. در خصوص روابط بین دو کشور پس از جنگ سرد می‌توان دو مرحله را مشخص کرد: مرحله اول در دهه پایانی قرن بیستم روابط ترکیه و روسیه، روابطی است که پایه و اساس آن بی‌اعتمادی و بیشتر تمرکز برحوزه‌های رقابتی است. در این دوران ترکیه در پیرامون روسیه در آسیای مرکزی و به‌ویژه قفقاز برای خود اهداف بلندپروازانه‌ای چون ایده پان‌ترکیسم را ترسیم می‌کند. در این دوران سفرهای پی‌درپی مقام‌های ترکیه به جمهوری‌های ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز و برگزاری نخستین اجلاس کشورهای ترک‌زبان در سال ۱۹۹۲ در آنکارا و برگزاری سومین نشست سران جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان، قرقیزستان و ازبکستان به همراه ترکیه در قرقیزستان در سال ۱۹۹۵ موجب حساسیت‌هایی در مسکو شد. این اقدامات آنکارا کوششی برای ترویج اندیشه‌های پان‌ترکیسم در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تلقی شد (خاورم، ۱۳۹۱/۷/۲). در مقابل رئیس‌جمهور روسیه «بوریس یتسین» در پاسخ به نشست ترک‌زبانان در بیشکک، پارلمان در تبعید کردهای ترکیه در مسکو را در ۱ نوامبر ۱۹۹۵ تشکیل داد. این اقدامات موجب تیره شدن روابط دو کشور شد (کریمی، ۹۱/۹/۳۰).

در مرحله دوم؛ در پایان دهه ۹۰ سرانجام دو طرف با دست برداشتن از سیاست‌های تنش‌زا گام‌هایی را برای عادی سازی روابط برداشتند. در ۲۸ مه ۲۰۰۲ احمد نجدت سزر، رئیس‌جمهور ترکیه در نشست ناتو - روسیه در رم، در توصیف وضعیت جدید گفت:

«از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه، بهبود همکاری‌های دوجانبه با دوست و همسایه‌مان روسیه و رفتن به سوی بالاترین سطح همکاری‌هایی است که به سود دو طرف باشد. ما می‌دانیم که روسیه نیز چنین تصمیمی دارد» (هانتر و دیگران، ۸۴: ۱۳۹۱).

رابطه دو کشور؛ بویژه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و پیگیری سیاست خارجی نگاه به شرق این حزب، گسترش چشمگیری یافت. در این دوره، تغییرات سیاسی و اقتصادی در عرصه‌های داخلی موجب تغییر فعالیت‌ها و بازبینی سیاست خارجی گذشته شد. طرح استراتژی احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه مبنی بر «تنش صفر با همسایگان» به موتور محرکه‌ای برای گسترش روابط ترکیه با اکثر کشورهای همسایه تبدیل شد. از سوی دیگر، تئوری «عمق استراتژیک» نیز که از طرف احمد داوود اوغلو مطرح شد، بر اساس افزایش نفوذ ترکیه در منطقه؛ به‌خصوص کشورهای آسیای مرکزی بود که دارای مشترکات فرهنگی، زبانی، مذهبی و قومی زیادی با ترکیه بودند. در این دوران و به‌خصوص حضور مستقیم غرب در منطقه و عراق و کاهش نقش استراتژیک ترکیه، آنکارا بر اساس سیاست " نگاه به شرق " و برای بازتعریف نقش تاریخی و جغرافیایی خود و ایفای نقش منطقه‌ای پررنگ و تبدیل شدن به پل و کانون انتقال انرژی از روسیه و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا، تلاش‌های گسترده‌ای انجام داد. در مقابل، روسیه هم در جهت همکاری با آنکارا گام‌های زیادی را برداشته است. در روند بهبود روابط، پوتین نخستین رئیس‌جمهور روسیه بود که پس از ۳۲ سال در سال ۲۰۰۴ از ترکیه دیدار کرد و در این سفر دو کشور شش موافقت‌نامه همکاری در زمینه انرژی، تجارت، امور مالی و

امنیت امضا کردند (Weitz, 2010:63) و در ادامه روابط حسنه، اردوغان در ژوئیه ۲۰۰۵ با پوتین در سوچی ملاقات کرد. در سال ۲۰۰۸ ترکیه از انتقاد جدی و سخت علیه روسیه نسبت به جنگ روسیه و گرجستان خودداری کرد. در سال ۲۰۰۹ عبدالله گل از روسیه و جمهوری تاتارستان بازدید کرد و این بازدید نشان داد که نگرانی روسیه از رشد گرایش پان‌ترکیسم ترکیه در منطقه کاهش یافته است (Weitz, 2010:64).

در سال ۲۰۱۰ رئیس جمهور مدودف از آنکارا بازدید کرد و هفده موافقت‌نامه همکاری امضا شد و شورای همکاری بین دو کشور ایجاد شد که می‌تواند نشان‌دهنده سطحی از همگرایی بین این دو کشور باشد. در نشست شورای همکاری دو کشور در سال ۲۰۱۰ مطرح شد که دو کشور باید کوشش کنند تا سطح تجارت آنها از حدود ۳۰ میلیارد دلار به ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ برسد (Flanagan, 2013: 56).

مبانی نظری لیبرالیسم: از وابستگی متقابل اقتصادی تا همکاری سیاسی

لیبرالیسم در روابط بین‌الملل به‌عنوان یک مکتب فکری، در خوش‌بینی عصر روشنگری قرن هیجدهم، لیبرالیسم اقتصادی قرن نوزدهم و ایده‌آلیسم ویلسونی قرن بیستم ریشه دارد. شاید مهم‌ترین ویژگی لیبرالیسم این باشد که اساساً نگاهی خوش‌بینانه به سیاست بین‌الملل دارد. به‌باور لیبرالیسم، سیاست بین‌الملل به‌طور ذاتی پرمنازعه و خشونت‌بار نیست و دسترسی به صلح و امنیت امکان‌پذیر است (کلومبیس و جیمز ولف، ۱۳۷۵: ۵۱-۵۳). لیبرالیسم در روابط بین‌الملل بر این باور است که به علت سه جریان عمده در عرصه بین‌المللی، کشورها به سمت همکاری بیشتر گام برمی‌دارند:

نخست، روند وابستگی متقابل میان کشورها؛ به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی و تجاری که موجب می‌شود کشورها به سبب همکاری با یکدیگر فایده بیشتری ببرند و همزمان دریابند که هزینه منازعه افزایش یافته‌است. چون هزینه جنگ بسیار بالاست، کشورها برای فرار از ضرر و زیان و رسیدن به سود، منفعت و امنیت سرمایه‌گذاری به

سمت گسترش روابط متقابل و افزایش همکاری سوق می‌یابند؛ دوم این که وابستگی متقابل اقتصادی فزاینده موجب ظهور و ایجاد یک سلسله هنجارها، قواعد و نهادهای بین‌المللی می‌شود که برای ایجاد، تسهیل و همکاری میان کشورها به وجود می‌آیند و سوم این که جریان دموکراسی شدن بین‌المللی که طی آن حکومت‌ها بیشتر دموکراتیک می‌شوند، موجب کاهش منازعه و افزایش همکاری می‌شود (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۵۴). پس می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مباحث اصلی لیبرالیست‌ها این است که وابستگی متقابل اقتصادی یا تجارت، موجب بهبود و افزایش روابط سیاسی یا صلح خواهد شد.

در مورد بررسی روابط روسیه و ترکیه در دهه اخیر؛ بویژه گسترش همکاری اقتصادی به بسترهای همکاری سیاسی، به نظر می‌رسد دیدگاه لیبرالیسم موفق بوده است؛ به این شکل که شاهد افزایش حجم تجارت بین دو کشور از سال ۲۰۰۲ هستیم و این رشد قابل توجه، در عرصه اقتصادی با همپوشانی منافع مشترک سیاسی نیز همراه بوده است. روسیه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده انرژی ترکیه است (Binhack, 2012:58). مصرف انرژی در ترکیه از ۸۸/۴ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۰ به ۱۵۳ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۴ رسید و روسیه تأمین‌کننده دو سوم این نیاز ترکیه است. در این میان، سهم گاز طبیعی در مصرف انرژی در ترکیه از ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۹ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت. ترکیه ۹۸/۳ درصد از گاز خود را از خارج وارد می‌کند که حدود ۶۰ درصد گاز طبیعی مورد نیاز خود را از روسیه وارد می‌کند. حجم تجارت ترکیه با روسیه از کمتر از ۶,۸ میلیارد دلار در ۲۰۰۳ به حدود ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رشد داشته است. واردات ترکیه از روسیه نیز از ۵,۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به حدود ۳۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسید؛ درحالی که صادرات ترکیه به روسیه از ۱,۴ میلیارد دلار در ۲۰۰۳ به ۷/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسید. یک چهارم برق ترکیه به واردات گاز از روسیه بستگی

دارد. در این دوره، روسیه به رتبه اول در میان شرکای تجاری ترکیه از نظر صادرات و ششم از نظر واردات و دوم از نظر حجم کل تجارت دست یافت (*Turkish Statistical Institute, 2014*)

علاوه بر تجارت، ترکیه سهم قابل توجهی در سرمایه‌گذاری خارجی روسیه داشته است. ترکیه در سال ۲۰۱۳ حدود ۷/۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و همکاری در ۱۱۹۶ پروژه در دست اقدام در روسیه داشت. به طور مشابه، سرمایه‌گذاری روسیه در ترکیه؛ بویژه در زمینه انرژی، قابل توجه هستند. همچنین، امضای تفاهمنامه‌هایی در همکاری گمرکی میان دو کشور برای تسهیل تبادلات گمرکی، حمل‌ونقل، تجارت و سرمایه‌گذاری مشترک، ساخت انبارهای ذخیره گاز طبیعی در مخازن زیرزمینی در ترکیه قابل ذکر است. حدود ۱۰۰ کمپانی عمرانی ترکیه‌ای اکنون در روسیه کار می‌کنند. بعضی از آنها در احداث زیرساخت برای بازی‌های المپیک سوچی مشارکت داشته‌اند. علاوه بر این‌ها، در ۱۵ فوریه ۲۰۱۴، ماهواره مخابراتی ترکیه به نام "*Turksat-4A*" با استفاده از راکت حامل روسی، با موفقیت به فضا پرتاب شد. روابط دوجانبه در زمینه علوم انسانی نیز بین ترکیه و روسیه رو به توسعه است. در فوریه ۲۰۱۴، مرکز علوم و فرهنگ روسیه در آنکارا افتتاح شد. علاوه بر این، طی سال‌های اخیر، ترکیه جزو کشورهایی بوده که گردشگران روسی بیشترین بازدید را از آن داشته‌اند. یک دلیل عمده آن، سیستم عدم نیاز به ویزا برای سفرهای کوتاه‌مدت بین دو کشور بوده است. در سال ۲۰۱۳، حدود ۴,۳ میلیون روسی به ترکیه سفر کرده‌اند؛ در حالی که تعداد گردشگران روسی در ترکیه بین ژانویه تا سپتامبر سال ۲۰۱۴ به ۴,۱ میلیون نفر رسیده است (فرجاد، ۱۳۹۳/۹/۱۲). علاوه بر بهبود روابط اقتصادی، شواهدی وجود دارد که بیانگر بهبود روابط سیاسی و نظامی در این دوران بین دو کشور است؛ از جمله:

- از بین رفتن نگرانی روسیه از گرایش‌های پان‌ترکی ترکیه در منطقه: در این راستا،

دیدار عبدالله گل و اردوغان از جمهوری تاتارستان (بزرگ‌ترین جمهوری ترک زبان در

فدراسیون روسیه) در سال ۲۰۰۸ قابل ذکر است. در سال ۲۰۰۸، تجارت میان ترکیه و تاتارستان به بیش از سه میلیارد دلار رسید. این موضوع نیز گویای رفع نگرانی‌های روسیه از سیاست‌های پان‌ترکی ترکیه در منطقه است (Weitz, 2010: 63)

- عدم‌مداخله مستقیم ترکیه در تعارض ناگورنو - قره باغ و از سرگیری روابط ترکیه با ارمنستان از سال ۲۰۰۹: قره‌باغ یکی از قدیم‌ترین استان‌های ارمنستان است که در سال ۱۹۲۱ حکومت شوروی در راستای سیاست‌های خاصی که داشت، آن را از ارمنستان جدا کرد و به جمهوری آذربایجان داد؛ در حالی که اکثریت مردم قره‌باغ ارمنی بوده و در طول ۹۰ سال گذشته همواره خواستار بازگشت و پیوستن به سرزمین مادری خود؛ یعنی ارمنستان بوده‌اند. از همان اوایل مناقشه قره‌باغ، ترکیه به صورت یک‌جانبه به طرفداری از آذربایجان پرداخت و جمله معروف اردوغان همواره مطرح می‌شد که گفته‌است: « ما یک ملت در دو دولت هستیم.» (هانتر و دیگران، ۱۳۹۱. ۱۸۷)؛ اما با امضای پیمان صلح بین ترکیه و ارمنستان در سال ۲۰۰۹ این دو کشور که از سال ۱۹۹۳، روابط دیپلماتیک را با یکدیگر قطع کردند، روابط خود را از سر گرفته و ترکیه در جهت افزایش روابط توأمان با ارمنستان و آذربایجان، به سمت بی‌طرفی در بحران قره‌باغ حرکت کرد (روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۸/۷/۱۹).

- مسکو و آنکارا هر دو مخالف برجسته‌کردن جنبش‌های جدایی‌طلب در خاک دیگری به عنوان یک ابزار سیاست خارجی هستند: در این راستا، خودداری روسیه از حمایت از حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) که در ترکیه سازمانی تروریستی شناخته می‌شود و اتحاد جماهیر شوروی از آن پشتیبانی می‌کرد و عدم اعطای پناهندگی به عبدالله اوچالان، رهبر این گروه از سوی روسیه قابل ذکر است (بهرامی، ۱۳۹۱/۲/۱۶). از سوی دیگر، با وجود حضور مهاجران قفقازی در ترکیه که در گذشته به امپراتوری عثمانی پناهنده شده بودند و عده‌ای از آنان مهاجران آبخازیا و چچن‌ها بودند که ترکیه را به طرفداری از

چچن ترغیب می‌کردند(هانتر و دیگران، ۱۹۰، ۱۳۹۱) و همچنین، اشتراک دینی مردم ترکیه و چچن، با این‌که ترکیه بارها از سیاست‌های روسیه در قبال چچن انتقاد کرده است؛ اما در سطوح رسمی، ترکیه همیشه از تمامیت ارضی روسیه دفاع کرده و از موضع‌گیری جدی که باعث کاهش روابط بین دو کشور شود، خودداری کرده است.

- عدم انتقاد شدید ترکیه از روسیه در ماجرای گرجستان: ترکیه در مقایسه با دیگر دولت‌های عضو ناتو، در زمان جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸، سیاست‌های خود را با توجه به منطقه مورد مناقشه آبخازیا در گرجستان تنظیم کرده و به نگرانی‌های روسیه توجه داشته و در درگیری میان روسیه و گرجستان، همچون دیگر متحدان ناتوی خود زبان به انتقاد شدید از روسیه نگشوده است. این درحالی است که عده‌ای از شهروندان ترکیه را مهاجران منطقه قفقاز و آبخازیا تشکیل می‌دهند و گرجستان نقش مهمی در سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه قفقاز دارد و همیشه به نوعی روابط دوستانه بی‌مرز بین آنکارا و تفلیس حاکم بوده است. جالب اینجاست که علی‌رغم دشمنی روسیه با گرجستان، آنکارا توانسته است با سیاست واقع‌گرایانه همزمان روابط خود را با تفلیس و روسیه، هم از جنبه امنیت مرزی و هم از نظر منافع انرژی در بالاترین سطح حفظ کند.

- عدم حمایت ترکیه از پیوستن اوکراین و گرجستان به ناتو: در این مورد، سیاست ترکیه به خواسته روسیه نزدیک است (Winrow, 2012, 89).

- هر چند ترکیه عضو ناتو است؛ اما روابط نظامی ترکیه و روسیه در حال گسترش است و همکاری صنایع دفاعی و تکنولوژیک نظامی دوجانبه وارد مرحله جدیدی شده است؛ چنانکه آدمیرال ویلادمیر ویوتسکی فرمانده ناوگان دریایی روسیه در سفر خود به ترکیه در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲ تاکید کرد که همکاری نظامی و تسلیحاتی دوجانبه گسترش خواهد یافت. مقامات نظامی ترکیه و روسیه درباره همکاری نیروی دریایی دو کشور و اجرای فعالیت و عملیات مشترک در دریای سیاه توافق حاصل کرده‌اند. در سال ۲۰۱۲

شرکت روس آبارون اکسپورت روسیه، مناقصه تولید سیستم موشکی ضد تانک ترکیه را برنده شد و ساخت و فروش آن را برعهده گرفت (سلیمانی، ۱۳۹۱/۶/۱۸).

محدودیت‌های تئوری لیبرالیسم در تبیین روابط ترکیه و روسیه

با توجه به نمونه‌هایی که مطرح شد، به نظر می‌رسد دیدگاه لیبرالیسم در توضیح روابط حسنه دو کشور موفق بوده است؛ اما در این بخش استدلال می‌شود که توضیح لیبرال در مورد روابط اقتصادی ترکیه و روسیه ناکافی است؛ زیرا منافع امنیتی دو کشور مهم‌تر بوده و در واقع، این وابستگی اقتصادی نیست که سطح فوق‌العاده‌ای از همکاری را ایجاد کرده است؛ بلکه تراز منافع امنیتی دو کشور راه همکاری را هموار کرده است. از جمله شواهدی که می‌توان برای این ادعا مطرح کرد، عبارتند از:

- در واقع، افزایش علاقه روسیه به گسترش روابط با ترکیه از سال ۲۰۰۰ و زمانی که پوتین رئیس جمهور شد و روس‌ها ترکیه را تهدیدی بالقوه برای روسیه در خصوص ورود و رشد حضور آمریکا و ناتو در حوزه نفوذ روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز می‌دانست، شروع شد.

- با توجه به وضعیت اوایل قرن ۲۱ در منطقه و ناامنی در کشورهای همسایه روسیه؛ از جمله جنگ در افغانستان و عراق و نیاز روسیه به صادرات انرژی (۲۵ درصد از انرژی غرب توسط روسیه تامین می‌شود) مسیر ترکیه بهترین و امن‌ترین راه ترانزیت انرژی بود. در اهمیت این مساله برای روسیه می‌توان به سخن الکسی واسیلیف، مدیر مؤسسه آفریقای آکادمی علوم روسیه، اشاره کرد: ترکیه سومین کشور مهم پس از اوکراین و آلمان برای روسیه است. ترکیه دشمن می‌تواند مشکلات فراوانی را در دستیابی روسیه به دریای سیاه ایجاد کند (هاتر، و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

- بهبود روابط ترکیه با روسیه با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ و طرح سیاست خارجی "تنش صفر" با همسایگان و نگاه به شرق شدت یافت. در

این راستا، ترکیه و روسیه به عنوان بازیگران اصلی در قفقاز، آسیای مرکزی و دریای سیاه دارای اختلافات اساسی بودند که از گذشته بر روابط دو کشور سایه افکنده بود. از این رو، حل اختلافات با روسیه به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه تبدیل شد. دو کشور به منظور دستیابی به اهداف و منافع مشترک اقداماتی را برای کاستن از اختلافات دیرین آغاز کردند (Fiona and Taspinar, 2006: 86).

- «پیوستن به اروپا» و «غربی شدن» از زمانی که ترکیه نوین در سال ۱۹۲۳ تاسیس شد، همواره یکی از دغدغه‌های سیاستمداران این کشور بوده است که بدون شک، بر خط فکری سیاستمداران و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور مؤثر بوده است. با وجود موافقت اعضای اتحادیه اروپایی با آغاز گفتگوهای الحاق ترکیه به این اتحادیه در سوم اکتبر ۲۰۰۵، باید توجه داشت که موانعی، نظیر: حقوق بشر، آزادی و دموکراسی، رشد اقتصادی، مسائل فرهنگی و اجتماعی و غیره، علی‌رغم انجام اصلاحات مناسب قضایی، اقتصادی، فرهنگی، کاهش نقش نظامیان و گسترش دموکراسی و غیره، هنوز در مسأله عضویت کامل ترکیه در اتحادیه اروپایی نقش ایفا می‌کنند و لذا به نظر نمی‌رسد این کشور در کمتر از ده سال آینده بتواند به معیارها، ضوابط و استانداردهای اتحادیه اروپایی دست یابد. «ژاک شیراک» رئیس‌جمهور فرانسه در ۴ اکتبر ۲۰۰۵ در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد: «عضویت ترکیه دست‌کم در ده تا پانزده سال آینده امکان‌پذیر خواهد بود» (Rubin, 2006). بنابراین، ناکامی در رسیدن به این هدف در سال‌های آغازین قرن ۲۱ خود به خود آنکارا را به سمت نزدیکی بیشتر به منطقه و مسکو سوق داد.

- در فضای ایجاد شده بر اثر حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و طرح محور شرارت (عراق، ایران و کره شمالی) از سوی آمریکا و احتمال بروز جنگی دیگر در منطقه و بویژه در همسایگی ترکیه، ترکیه به سمت افزایش همکاری با قدرت منطقه‌ای روسیه به دلیل منافع مشترکی چون حفظ امنیت منطقه‌ای سوق داده شد.

- در حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ ترکیه از طریق تحرکات دیپلماتیک سعی کرد به نوعی از بروز جنگ آمریکا بر ضد عراق ممانعت نماید. اردوغان در دیدار با وزیر امور خارجه آمریکا در ترکیه چنین گفت: « آتش خانه همسایه، به خانه دیگر نیز سرایت می‌کند؛ پس باید جلوی آن را گرفت. » (مولوی، ۱۳۸۳/۱۲/۱۸) به دنبال مخالفت پارلمان با اعزام نیروی نظامی ترکیه به عراق و عدم اجازه استفاده از خاک ترکیه به نیروهای آمریکایی در حمله به عراق، روابط دو کشور دچار خدشه جدی شد (مولوی، ۱۳۸۳/۱۲/۱۸). این یکی از دلایل بهبود روابط ترکیه با روسیه در این دوره است.

- مسأله کردها برای ترکیه اهمیت بالایی دارد؛ به حدی که نظامیان در دهه ۱۹۹۰ کردها را در کنار اسلام‌گرایان به عنوان اصلی‌ترین عامل تهدید امنیت ملی ترکیه در داخل معرفی می‌کنند و از آنها به سندروم [نشانگان فلج] امنیت ملی یاد می‌کنند (مقصودی، ۱۳۸۲: ۱۰۰). به دلیل حضور نظامی آمریکا در عراق و دیدگاه‌های متفاوت آمریکا و ترکیه در مورد آینده کردستان عراق، ترکیه به دنبال یک شریک استراتژیک در منطقه برای پر کردن خلاء امنیتی آمریکا در مساله کردها بود که این نگرانی در ملاقات سال ۲۰۰۵ پوتین و اردوغان در سوچی روسیه کاملاً مشخص بود؛ زیرا یکی از موضوع‌های مورد توافق بحث و هماهنگی فعالیت در خصوص مساله کردها و چچن بود (Demiryol, 2013, 7).

- مقابله با انقلاب‌های رنگی منطقه عملاً جزو سیاست خارجی رسمی دو کشور روسیه و ترکیه بوده است. به گفته طراحان نظریه دموکراسی خودمختار این قبیل انقلاب‌ها به تحریک ایالات متحده رخ می‌دهد و باعث بر هم خوردن نظم در منطقه که مورد خواست هیچ کدام از این کشورها نیست می‌شود (Fiona, and Taspinar, 2006: 85).

- عراق حدود ۱۷ درصد از نفت مورد نیاز ترکیه را فراهم می‌کرد (Bilgin, 2014: 287)؛ اما وضعیت ناامن عراق پس از حمله به عراق، اشغال و ناامنی خط

لوله نفت کرکوک - جیهان و عدم امکان جایگزینی در کوتاه‌مدت، عاملی دیگر در گسترش روابط دو کشور ترکیه و روسیه بوده است.

- ایران ۵۰ درصد نفت مورد نیاز ترکیه را تامین می‌کرد و از سوی دیگر، متحد سنتی روسیه در منطقه بوده است که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و تداوم تحریم‌ها نیز از عوامل مؤثر در نزدیکی روابط دو کشور ترکیه و روسیه بوده است.

- ترکیه در دهه نخست استقلال جمهوری‌های این منطقه به دنبال ترویج اندیشه پان‌ترکیسم برای گسترش نفوذ در منطقه بود؛ در حالی که در یک دهه اخیر از این مسیر دور شده و این سیاست را کنار گذاشته است و به ابعاد اقتصادی و نفوذ فرهنگی در این مناطق توجهی بیشتر کرده است. این کاهش خطر یکی از عوامل نزدیکی روابط روسیه با ترکیه بوده است (بهرامی، ۱۳۹۱/۲/۱۶).

- از آنجا که ترکیه نگاهی افراط‌گرایانه به دین و سیاست ندارد و روس‌ها علاقه‌مند به وجود نوعی اسلام لیبرالی و متعادل‌تر در منطقه قفقاز و ولگا هستند تا اسلام رادیکال که ممکن است، تجزیه‌طلبی در جمهوری‌ها و مناطق خودمختار روسیه را دامن بزند و اسلام ترکیه‌ای نوعی تساهل و تسامح را توسعه می‌دهد، از این منظر روسیه هر چند از قدرت‌یابی ترکیه در همسایگی خود اندکی بیمناک است؛ اما از آن به عنوان الگویی مناسب در منطقه یاد می‌کند (امیر احمدیان، ۱۳۹۱/۴/۱۰).

- تجربه بحران عراق و برخورد غرب با مساله کردها (اعطای خودمختاری) نشان داد که رقبای غربی؛ بویژه امریکایی‌ها، رخدادهای این منطقه را نه بر منافع ترکیه، که بر منبای منافع خود جهت‌دهی می‌کنند. لذا ترکیه باید در اندیشه تثبیت روابط با روسیه باشد.

بر اساس شواهد ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که همکاری و افزایش روابط متقابل دو کشور در این دوران، بیش از آن که بازتاب گسترش روابط اقتصادی بین دو کشور باشد، یک ضرورت امنیتی در پاسخ به تغییرات منطقه‌ای و جهانی بوده است.

آینده روابط دو کشور

در این قسمت دو مورد از مؤلفه‌های کلیدی لیبرالیسم را در روابط دو کشور بررسی می‌کنیم. بر اساس نگرش لیبرالیستی کشورها از وابستگی متقابل استقبال نموده و حتی در جهت تعمیق این روابط اقتصادی، برای رسیدن به همکاری سیاسی و صلح استقبال می‌کنند؛ اما در بررسی روابط تجاری دو کشور روسیه و ترکیه، نه تنها علاقه‌ای برای افزایش و تعمیق این وابستگی مشاهده نمی‌شود؛ بلکه می‌توان کاملاً تلاش دو کشور را برای فرار از وضعیت فعلی و کاهش وابستگی مشاهده نمود و دیگر آن که تفاوت‌ها و اختلافات دو کشور در عرصه سیاسی نشان می‌دهد که گسترش روابط اقتصادی دو کشور باعث نزدیکی سیاسی و تشابه نظرات نشده است. از جمله کوشش‌های دو کشور برای کاهش وابستگی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در اسناد رسمی دولت روسیه به عنوان اولویت‌های استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۰ موارد زیر مشخص شده است که نشان‌دهنده علاقه به کاهش روابط انرژی به ترکیه است؛ از جمله: ۱- کاهش وابستگی حمل و نقل به ترکیه تا سال ۲۰۳۰ م؛ ۲- تنوع مسیرهای صادرات به اروپا؛ ۳- تنوع در بازارهای مصرف؛ بویژه در آسیا (*Moscow: Institute for Energy Strategy, 2010*) در راستای این سیاست بلندمدت؛ از جمله اقدامات روسیه در کاهش وابستگی به ترکیه برای انتقال انرژی می‌توان به طرح‌های انتقال انرژی بدون استفاده از ترکیه به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- طرح خط لوله جریان جنوبی که در سال ۲۰۱۲ برای انتقال گاز از دریای سیاه به بلغارستان، صربستان و اروپا مطرح شد.
- ۲- طرح جریان انتقال گاز از شمال که در سال ۲۰۱۱ برای انتقال گاز از طریق مرز فنلاند به آلمان و انگلیس و هلند مطرح شد.

- ۳- طرح لوله نفت بورگاس - الکساندر و پولیس که از سال ۲۰۰۵ برای انتقال نفت روسیه از طریق دورزدن تنگه های بسفر و داردانل از روسیه به بلغارستان و یونان و دریای اژه مطرح شد.
- ۴- عدم علاقه به اجرای طرح خط لوله سامسون به جیهان که شمال ترکیه را به جنوب این کشور متصل می‌کرد (در سال ۲۰۰۹ تنها پس از موافقت ترکیه با جریان جنوبی شاهد حمایت روسیه از طرح سامسون - جیهان هستیم) (Moscow: *Institute for Energy Strategy*, 2010)
- در خصوص کشور ترکیه نیز از آنجا که حداقل ۷۵ درصد از واردات ترکیه در مورد انرژی از روسیه است، شاهد کوشش این کشور برای کاهش وابستگی به انرژی روسیه و تنوع بخشی به تامین کنندگان انرژی برای خود هستیم. از جمله این کوشش‌ها:
- ۱- طرح خط لوله گاز باکو، تفلیس، ارزروم که در سال ۲۰۱۳ به بهره‌برداری رسید.
 - ۲- خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیهان که در سال ۲۰۰۶ به بهره‌برداری رسید.
 - ۳- انعقاد معاهده فروش گاز آذربایجان به ترکیه در سال ۲۰۱۱.
 - ۴- همکاری در خط لوله گاز ترانس آناتولی که از سال ۲۰۱۴ طرح شد و قرار است گاز آذربایجان را به ترکیه و بعد به اروپا برساند، این خط قرار است در سال ۲۰۱۸ به بهره‌برداری برسد.
 - ۵- انعقاد معاهده انتقال نفت از عراق به ترکیه از طریق خط لوله کرکوک - جیهان در سال ۲۰۱۲ (Kubicek, 2013, 171-180).
- علاوه بر تنوع خطوط انتقال انرژی، ترکیه اقداماتی را برای تنوع بخشیدن به نیار انرژی و افزایش برنامه‌ریزی برای استفاده از انرژی‌های باد و خورشید اجرا کرده است که با هدف رسیدن به ۳۰ درصد از سهم این انرژی در مصرف کل کشور تا سال ۲۰۲۳، افزایش تعداد نیروگاه‌های برق آبی از ۱۳۰۰ مورد در سال ۲۰۱۳ به حدود ۱۵۰۰۰ مورد در سال ۲۰۲۳ را در دستورکار قرار داد (Bilgin, 2014: 399).

تجزیه و تحلیل روابط روسیه و ترکیه بر اساس تئوری لیبرالیسم... / ۴۱

علاوه بر اقدامات بالا و کوشش برای کاهش وابستگی بین این دو کشور، شاهد اختلافات اساسی در حوزه‌های سیاسی بین دو کشور نیز هستیم؛ از جمله:

- استقرار موشک‌های پاتریوت ناتو در مرزهای ترکیه با سوریه، ناخرسندی‌هایی را در روسیه موجب شده است. ترکیه استقرار این موشک‌ها را در راستای دفاع از مرزهای خود قلمداد کرده؛ ولی روسیه آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند.
- ترک‌ها از آن هراس دارند که روسیه با تقویت کشورهای مخالف ترکیه در همسایگی آن، چالش‌هایی در روابط ترکیه با آنها ایجاد کند؛ چنانکه همواره اعتراض خود را نسبت به سیاست مسکو در فروش تسلیحات به قبرس ابراز کرده است.
- مسکو بر حمایت از نظام سوریه تاکید دارد؛ در حالی که ترکیه خواستار سرنگونی بشار اسد، رییس‌جمهوری سوریه است.

- در بعد دیگری، رویکرد روسیه در سوریه و ادامه تهدیدات امنیتی در مناطق کردنشین سوریه برای ترکیه، با خشنودی این کشور همراه نیست. در این میان نیز باید گفت نگرانی دولت اردوغان از تصمیم مسکو برای تحویل موشک‌های اس ۳۰۰ به سوریه می‌تواند پتانسیلی مهم برای تشدید تقابل سیاسی روسیه و ترکیه باشد (کریمی، ۱۳۹۱/۹/۳۰).

نتیجه‌گیری

رابطه بین وابستگی متقابل اقتصادی و همکاری‌های سیاسی از موضوع‌های مهم مورد بحث در مکتب فکری لیبرالیسم در روابط بین‌الملل است؛ به این شکل که لیبرال‌ها اعتقاد دارند کشورها به دلیل نیاز متقابل، به سمت وابستگی متقابل اقتصادی و تجاری حرکت کرده و به دلیل افزایش بهره‌وری و جلوگیری از ضرر و زیان به سوی همکاری‌های سیاسی گرایش می‌یابند. این مقاله کوشش کرد ادعاهای لیبرالیسم را درخصوص ارتباط بین وابستگی

متقابل اقتصادی و همکاری‌های سیاسی در روابط بین ترکیه و روسیه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ بررسی کند. سطح استثنایی افزایش روابط تجاری و سیاسی بین ترکیه و روسیه در دوره زمانی پس از ۲۰۰۲ نقدی را بر نظریه رئالیست که اعتقاد به اصل خودیاری و پرهیز از وابستگی‌ها داشت، وارد کرد. علاوه بر این، در ظاهر به نظر می‌رسید شاهد تاثیر روابط اقتصادی بر گسترش همکاری‌های سیاسی بین دو کشور باشیم که می‌توان آن را بر اساس نظریه لیبرالیسم توضیح داد؛ اما نظریه لیبرالیسم در توضیح روابط پیچیده بین ترکیه و روسیه موفق نبوده است؛ در حالی که تجارت و روابط اقتصادی نقش مثبت را در گسترش روابط دو کشور ایفا می‌کند. از سوی دیگر نیز دلیل افزایش همکاری‌های سیاسی صرفاً رشد موازنه تجارت و وابستگی متقابل اقتصادی نبوده است؛ بلکه باید متغیرهای دیگری را نیز در این ارتباط در نظر بگیریم؛ از جمله:

- محیط استراتژیک در شروع روند همکاری: به این شکل که دلیل افزایش همکاری سیاسی بین دو کشور تجارت نبوده است؛ بلکه همترازی از منافع امنیتی منطقه‌ای و جهانی، مسکو و آنکارا را به سمت گسترش روابط با یکدیگر سوق داده است. از جمله، حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله به افغانستان، روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، حمله به عراق، انقلاب‌های رنگی در قفقاز جنوبی، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و

- روابط انرژی بین ترکیه و روسیه، یکی از مفاهیم کلیدی تئوری لیبرال را در مورد وابستگی متقابل اقتصادی تکذیب می‌کند؛ به این شکل که در دیدگاه لیبرال، دولت‌ها از وابستگی متقابل استقبال نموده، برای افزایش همکاری‌های اقتصادی و در نهایت، رسیدن به همکاری سیاسی و امنیت کوشش می‌کنند؛ اما در این مقاله و در تحلیل روابط انرژی بین ترکیه و روسیه نشان دادیم که هر دو کشور به شدت به دنبال گریز از وضعیت فعلی و کاهش وابستگی به یکدیگر هستند.

بر اساس متن این مقاله، نظریه لیبرالیسم نیز در زمینه توضیح روابط دو کشور روسیه و ترکیه در حوزه افزایش همکاری‌ها کاملاً گویا نیست. همان‌طور که بسیاری اذعان دارند، امکانات مکتب لیبرالیسم و زیرشاخه‌های آن برای همکاری بین‌المللی بیشتر است و این موضوع به دلیل نگاه خوش‌بینانه‌ای است که طرفداران این مکتب دارند. با وجود این، نمی‌توان نگاه لیبرالیسم را دربردارنده همه واقعیات روابط بین‌المللی دانست. هیچ رهیافت واحدی نمی‌تواند کاملاً پیچیدگی جهان سیاست معاصر را تبیین کند و راه‌حلی قطعی برای مسائل آن ارائه دهد. روابط بین‌الملل آن قدر پیچیده است که نمی‌توان با اکتفا به یک نظریه و یک مکتب فکری آن را فهمید و برای حل مسائل و چاره‌اندیشی‌ها به آن بسنده کرد. دنیای پیچیده نیازمند تفکر پیچیده و جامع‌نگری است و این به معنای ضرورت بهره‌گیری از همه نظریه‌ها برای فهم روابط بین‌الملل و موضوع همکاری بین‌المللی است. بنابراین، بهتر است که به جای اتخاذ یک رهیافت واحد برای تفسیر روابط این دو کشور، آرایش متفاوتی به ایده‌های رقیب در تفسیر سیاست جهانی بدهیم. رقابت میان نظریه‌ها، به آشکار شدن نقاط قوت و ضعف آن‌ها کمک می‌کند و محرکی برای اصلاح و تکامل آن‌ها خواهد شد؛ اما باید در انتخاب و ترکیب نظریه‌ها خلاقیت داشته باشیم و از طرد یکی و انتخاب دیگری پرهیز کنیم. در تبیین روابط روسیه و ترکیه می‌توان نظریه‌های مختلف را در کنار هم قرار داد و از برخی از مؤلفه‌هایشان استفاده کرد. از این منظر، روابط پیچیده دو کشور ترکیه و روسیه در چارچوب شاخص‌هایی که در این مقاله به آن اشاره شد، بیشتر بر اساس دیدگاه رئالیسم لیبرال قابل توضیح هستند؛ به این معنا که روابط اقتصادی به عنوان یک عامل مثبت در همکاری‌های سیاسی این دو کشور به حساب می‌آید؛ اما نمی‌توان رابطه علی‌صددرد معناداری بین افزایش وابستگی اقتصادی در بهبود همکاری‌های سیاسی در نظر گرفت. در روابط این دو کشور، گسترش روابط اقتصادی خود گاهی اوقات معلول شرایط سیاسی بوده؛ لذا یک رابطه پیچیده میان آنها وجود دارد.

منابع

- امیراحمدیان، بهرام: آسیای مرکزی، بازیگری و برتری‌های ترکیه در آن، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۱/۴/۱۰. <http://peace-ipsc.org>
- انصاری، جواد. (۱۳۷۳). ترکیه در جستجوی نقش تازه در منطقه، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- برازش، محمودرضا و دیگران. (۱۳۹۱). آشنایی با روسیه، مشهد: آفتاب هشتم.
- بهرامی، محمد: ترکیه و روسیه از واگرایی تا همگرایی، ۱۳۹۱/۲/۱۶، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. <http://peace-ipsc.org>
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۲). «سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل از دید نظریه‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۳۳، بهار.
- خاورم، مهدی: نگاهی به فرایند همکاری‌های ترکیه و قزاقستان، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱/۷/۲۰. <http://www3.irna.ir>
- سلیمانی، افشار. (۱۳۹۱). روابط ترکیه و روسیه و جبر استراتژیک، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، شهریور. <http://peace-ipsc.org>
- صولت، رضا. (۱۳۹۲). چشم‌انداز روابط ترکیه و روسیه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۲. www.fa.cmess.ir
- فرجاد، فرهاد: مصاحبه پوتین با خبرنگاری آناتولی، شفقنا، ۱۳۹۳/۹/۱۲.
- کریمی، محمود: روسیه و ترکیه؛ رابطه اقتصادی رو به گسترش در سایه سردی روابط سیاسی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. ۱۳۹۱/۹/۳۰. <http://peace-ipsc.org>
- کلومبیس، تئودور و جیمز ولف. (۱۳۷۵). رویکردهای مختلف در مطالعه سیاست، ترجمه وحید بزرگی، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.

تجزیه و تحلیل روابط روسیه و ترکیه بر اساس تئوری لیبرالیسم... / ۴۵

کولایی، الهه: سخنرانی: بررسی روابط ترکیه و روسیه بعد از تحولات خاورمیانه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۱ آبان ماه ۱۳۹۲. www.fa.cmess.ir
مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲). «کردستان عراق؛ چشم‌انداز آینده»، در مسائل ایران و عراق، حسین دهشیار و دیگران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

مولوی، پیمان: «روند صلح خاورمیانه و سفر عبدالله گل به اسرائیل»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران: کتابخانه دیجیتالی دید، ۱۳۸۳/۱۲/۱۸.
واحد ناوان، عارف: بررسی روابط روسیه و ترکیه، روزنامه شرق، ۱۳۸۱/۹/۲۱.
هاتر، شیرین ت؛ جفری، ل. تامس و الکساندر ملیکیشویلی (۱۳۹۱). اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی، ترجمه اسما معینی، الهه کولایی و مطهره حسینی، تهران: نشر نی.

از سرگیری روابط ترکیه و ارمنستان. روزنامه جام جم، ۱۳۸۸/۷/۱۹.

Bilgin, Mert (2014) "Energy and Turkey's Foreign Policy: State Strategy, Regional Cooperation and Private Sector Involvement." Turkish Policy Quarterly, Vol.9, No.2.

Binhack, Petr (2012). "Asymmetric Interdependence in the Czech–Russian Energy Relations". Energy Policy 45.

Demiryol. tolga.. Does Economic Interdependence Promote Political Cooperation? Political Economy of Russian-Turkish Energy Relations. Prepared for ECPR General Conference, Bordeaux 2013 <https://ecpr.eu>

Fiona, Hill and Omer Taspinar. (2006)"Turkey and Russia: Axis of the Excluded?" Survival 48,no. 1(March).

Flanagan, Stephen J and Bulent Aliriza (2013), "Turkey's Evolving Relations with Russia and Iran, in Driving Forces and Strategies" in Turkey, Russia, Iran Relations, Center for Strategic and International Studies.,

Institute for Energy Strategy, Energy Strategy for Russia for the Period up to 2030.Moscow: Institute for Energy Strategy, 2010.

Kubicek, Paul (2013). "Energy Politics and Geopolitical Competition in the Caspian Basin", Journal of Eurasian Studies 4, no. 2(July)

Ministry of Foreign Affairs, Economic Relations between Turkey and Russia, accessed September, 2013 <http://www.mfa.gov.ir>.

Rubin ,Michael. *The Future of Turkey and Europe*, 2006. <http://www.meforum.org>.

Turkey and Russia Economic Convergence but Political Divergence. Al Jazeera Center for Studies. 07 May 2013.

Turkish Statistical Institute. 2014 <http://www.turkstat.gov.tr>

Weitz, R (2010). "Russian-Turkish Relations: Steadfast and Changing", *Mediterranean Quarterly* 21, no. 3(September 16,).

Winrow , Gareth.(2009) *Turkey, Russia and the Caucasus: Common and Diverging Interests* Chatham House.